

# مرگ تاجر یا تاجریم؟

تقی روزبه



اما دراصل تجربه تاجریم را باید تجربه مکتب بازار آزاد و لیبرالیسم خالص و بنیادگرا دانست که در آزمون های بزرگ اجتماعی در طی چند دهه اخیر چهره خشن و ضدانسانی خود را به نمایش گذاشته است

**مارگارت تاجر به مثابه مشت آهنین سرمایه و شاگرد وفادار مکتب شیکاگو!**

مارگارت تاجرمد، اما آیا تاجریم هم مرد یا آن که هم چنان به حیات خود ادامه می دهد؟. جشن و پای کوبی مردمان فقیر و به خاک سیاه نشانده شده در انگلستان\*۱، شکوفائی هنر اعتراضی\*۲ و ترانه های مردمی در طی این دهه ها بر علیه وی و سیاست هائی که او به نیابت از سرمایه برجامعه دیکته می کرد و آهنگ های بی شماری که در افشاء این بانوی ملقب به آهنین سروده و خوانده می شد از یکسو، و ستایش دولتمردان نظام سرمایه داری، هم چون کامرون نخست وزیر فعلی که می گوید رهبر بزرگی را از دست دادیم، و یا بیانیه کاخ سفید که از وی به عنوان یکی از قهرمانان بزرگ آزادی و رهائی نام می برد\*۳، و آن تندبسی که به پاس خدماتش سال هاست در مجلس عوام انگلستان نصب شده، نشان می دهند که در پشت زرق و برق جهان واحد و گلوبالیزه شده، ما با دوجهان بالکل متفاوت و متضاد سروکار داریم: جهان سرمایه داران و آن هائی که در فقدان این فرشته آزادی و رهائی (در اصل آزادی و رهائی سرمایه از قید و بندهائی که بدست و پایش بسته بودند) به سوگ نشسته اند، و جهان مردمان کوچه و بازار که او را هم چون دیوی شاخ دار و خونخوار و تباه کننده زندگی اشان به تصویر می کشند و در کشوری که اعدام لغوشده است گردنش را به طور نمادین به زیر تیغ گیوتین می سپارند. ناگفته نماند که او با داشتن ۱۱ سال مأموریت تاریخی و خستگی ناپذیر از جانب سرمایه در پست نخست وزیری از هیچ کوششی برای گرازکوب کردن جامعه و اتحادیه ها و تشکل های رزمنده کارگری بویژه سرکوب معدنچیان قهرمان و هرآن چه که نشانی از مبارزه برای منافع جمعی و افزایش سهم اجتماعی داشتند، تقویت بازار آزاد و بی مهار و خصوصی سازی اموال عمومی و زدن چوب حراج به سرمایه های اجتماعی و متعلق به جامعه تحت کنترل دولت، فروگزاری

نکرد. کوچک و لاغر کردن کارکرد اجتماعی دولت، کاهش مالیات ثروتمندان، افکندن بارسنگین تأمین هزینه های اجتماعی و دولتی بردوش شهروندان (و از جمله وضع مالیات موسوم به پل تکس که موجب شورش مردمی و سرکوب آن شد)، تقویت و رونق بازار مالی و بورس انگلیس و تقویت موقعیت و هژمونی انگلستان در اتحاد تنگاتنگ با دولت آمریکا، دامن زدن به جنگ و میلیتاریسم و از جمله جنگ با ارژانتین و حمایت فعال از جنگ افغانستان و مجاهدین افغان و حمایت از پروژه جنگ ستارگان و نژادپرستان آفریقای جنوبی بخش دیگری از بیلان خدمات او به سرمایه را تشکیل می دهد. و نهایتاً چنان منفور اکثریت بزرگی از توده های عادی جامعه شد که اعضاء و گردانندگان حزب محافظه کار انگلیس که در اصل سکوی پرش او بود و تا دیروز حامی اش بودند، بر علیه او که ظاهراً هنوز هم مأموریت خود را ناتمام می انگاشت، شوریدند و وادار به کناره گیری اش کردند. کارچرخانان حزب برای حفظ موقعیت متزلزل شده خود و حفظ توان فریب رأی دهندگان، خواهان تاچریسم بدون تاچر شده بودند. باین ترتیب تاچرمرد، اما تاچریسم در اشکال نوین خود تداوم یافت و ستایش کارگردانان سرمایه از او، در اصل اعلام وفاداری به همان سیاست ها و تداوم آن ها است. او به همراه همتای آمریکائی خود دونالد ریگان، در سال های دهه ۱۹۸۰ هم چون دومهره تازه نفس نئولیبرالیسم در پاسخ به بحران سرمایه داری و خداحافظی با دولت های موسوم به رفاه، به صحنه سیاسی رانده شدند. آن ها شاگردان وفادار مکتب شیکاگو و شیفته یافته های طلایی میلتن فریدمن پیامبر بازار آزاد و دولت کوچک بودند که مدت ها بود تب آن تینک تانک ها (گروه ها و اتاق های فکر) آمریکا را تسخیر کرده بود. دولت کوچک از مهم ترین یافته های طلایی او بود. در پشت این شعار حذف کارکردهای اجتماعی و تحمیل شده به دولت ها در باب هزینه ها و خدمات اجتماعی و ایجاد اشتغال در طی چندین دهه مبارزه، کاهش مالیات ثروتمندان و تبدیل کامل دولت به اهرم پیشروی سرمایه و تقویت "بازار آزاد" نهفته بود. معنای واقعی دولت کوچک، در اصل متوازن کردن نقش آن به سود سرمایه داران و علیه شهروندان معمولی بود و معنای بازار آزاد نیز رهائی هر چه بیشتر از هر نوع نظارت و کنترل. مکتب شیکاگو به عنوان بدیل کنزیرانیسم بجای تقویت سرمایه گذاری های اجتماعی دولت برای ایجاد شغل و افزایش تقاضا و قدرت خرید در مقابله با بحران های سرمایه داری، خواهان عدم مداخله دولت در اقتصاد بود، چرا که بزعم آن موجب تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری های بیشتر و ایجاد رشد و اشتغال می شد. در اصل واگذاری بخش های دولتی اقتصاد و خدمات عمومی به بخش خصوصی و حمایت دولت از آن ها، بخش های که برای رشد اجتماعی و توسعه زیربنائی

جامعه حیاتی شمرده می شدند درحکم چنگ اندازی هرچه بیشتر بازارآزاد بر شریان های جامعه و کالائی کردن سایر حوزه های زندگی بود. اما بیلان واقعی چند دهه آزمون نئولیبرالیسم در لابراتورهای اجتماعی بنام کشور آمریکا و انگلیس و سایر نقاط جهان، همانا گسترش بی سابقه سرمایه های تجاری و مالی و میلیتاریسم و جنگ و تخریب عظیم محیط زیست، است. علیرغم ادعاها، و کاهش گسترده هزینه های اجتماعی و تبدیل کردن آن ها به دولت های خادم تمام عیار سرمایه ها، آن هم چنان حجیم و نیمه ورشکسته با تریلیون ها دلار بدهی بالا آورده ماندند. بدهکار کردن نسل امروز و فردای مردم آمریکا و انگلیس و حتی سایر نقاط جهان، بوجود آمدن یک بحران عظیم و بی سابقه ساختاری که سال هاست ادامه دارد از نتایج ملموس این گونه دولت هاست. و شاهدیم که دولت "کوچک" مورد نظر آن ها نتوانسته اند با تزریق تریلیون ها دلار از بودجه عمومی به بانک ها و شرکت های ورشکسته و یا نیمه ورشکسته و به اقتصاد نیمه ویران، بر بحران غلبه کند. بیکاری گسترده، دوقطبی کردن جامعه با شکاف عظیم طبقاتی و ذوب شدن آن چه که طبقه متوسط می خوانندش، از دیگر مهم ترین دست آوردهای حاکمیت لیبرالیسم و اقتصاد بازارآزاد بر جامعه است. سیاست های فوق در اساس برای پاسخ دادن به بحران انباشت سرمایه، مقابله با بازده نزولی نرخ سود و رقابت پذیر کردن سرمایه ها در فاز جدید جهانی سازی در پیش گرفته شدند. بنابراین وقتی از ادامه تاچریسم و ریگانیسم بدون خود آن ها سخن به میان می آید، سخن از میراث بجا مانده از آن ها یعنی یک سرمایه مالی نیرومند، فراملی و دارای هژمون غیر قابل کنترل و از استبداد بازارآزاد است. ژیسکاردستن خود یکی از رئیس جمهورهای سابق و لیبرال فرانسه است که مقارن با سال های یکه تازی بانوی آهنین برفرانسه حکومت می کرده است. او در واکنش به مرگ تاچر می گوید احتمالاً سیاست های بسیار لیبرال تاچر علت بحران کنونی است. هم چنین به یاد داریم شکوه فوکویاما را نسبت به شورشیدن بیش از حد این منو. او که خود از تئوریسین های پایان تاریخ و پیروزی لیبرالیسم و باد غرب بر شرق است، بعد از خرابی بصره و عالمگیر شدن گندکاری های دولت بوش پسر، نگران از دست رفتن طبقه متوسط و دموکراسی لیبرال شد و خواهان مهار بازارآزاد گشت. گوئی شماری از قابله ها و معماران بازارآزاد و سرمایه های مالی و بی مهار، از هیبت هیولائی که خود در بوجود آوردنش نقش داشته اند، وحشت زده هستند و ناتوان از مقابله و کنترل آن، هم چون هیولای فرانکشتاین که ناتوان از کنترل مخلوق خود بود!

رابطه لیبرالیسم و تاچریسم

اما دراصل تجربه تاجریسم را باید تجربه مکتب بازار آزاد و لیبرالیسم خالص و بنیادگرا دانست که در آزمون های بزرگ اجتماعی در طی چند دهه اخیر چهره خشن و ضدانسانی خود را به نمایش گذاشته است و نشان داده که در ورای ناکجاآباد لیبرالیسم اقتصادی و شعارهای غلط اندازی چون آزادی فردی و بازارتحت کنترل سرمایه های کلان که آزادش می خوانند، چه جهنم سوزانی از خشونت و تباهی و نکبت نهفته است. مارگارت تاچر درسخانی تاریخی به سال ۱۹۸۷ فلسفه مورد باور خود را چنین توصیف کرده است:

” به نظر من برای دوره طولانی بسیاری از مردم عادت کرده اند چنین فکر کنند که گویا دولت مسئول حل مشکلات آن هاست. اگر کسی مشکل مالی دارد به این فکر می کند که از دولت وام بلاعوض بگیرد. اگر کسی مشکل مسکن دارد فکر می کند که دولت باید به او خانه بدهد. آنها مشکل خود را روی دوش جامعه می اندازند و این جامعه واقعا کیست؟ یک چنین چیزی تحت عنوان جامعه وجود خارجی ندارد. آنچه که وجود دارد تک تک افراد، زن یا مرد و خانواده ها هستند. و هیچ حکومتی نمی تواند کاری بکند مگر از طریق همین مردم. و مردم نیز در درجه اول برای حل مشکلات باید به خود و دیگران متکی باشند.” این وظیفه ماست که امور خودمان را حل و فصل کنیم و به دیگران هم کمک کنیم. زندگی یک مشغله دو طرفه است ولی متاسفانه مردم به شدت به مسئله حقوق خود عادت کرده اند بدون آنکه به تعهدات و مسئولیت های خود بیا ندرشند. ”\*۴

همانطورکه ملاحظه می کنید دراین لیبرالیسم خالص و بنیادگرا، جامعه وجود خارجی ندارد و آن چه که وجود دارد تک تک افراد هستند که باید با اتکای به نیروی خود گلیم اشان را از آب بیرون بکشند. درحقیقت چنین تصویروارونه و بت وارہ شده ای از رابطه فرد و جامعه، به پشتوانه ایدئولوژیک دولت های نوین سرمایه داری تبدیل شده است. و این درحالی است که در واقعیت امر و تجربه مشهود، همراه گسترش تولید و ثروت، رابط فرد و جامعه عمیق تر و تنگاتنگ ترهم شده است. تضادذاتی و انفجاری لیبرالیسم با جامعه، به ویژه دراشکال خالص و بنیادگرایانه اش، از تعمیق همین پیوند درعین بیگانگی و ضدیت با آن نشأت می گیرد. باین ترتیب ماهیت ارتجاعی و انفجاری لیبرالیسم عروج کرده به حاکمیت، برخلاف تصورمدافعان آن، با گسترش حجم ثروت ها و احساس استغنائی ظاهری سرمایه داران از جامعه، ابعاد تازه ای یافته است. تب و لرزهای ”پایان تاریخ” گریبان لیبرالیسم را نیز گرفته است! و همین شکاف بین فردیت و جامعه و فرادستی اولی بردومی - و در اصل به مثابه ایدئولوژی سلطه طبقه کلان سرمایه داران برجامعه - جامعه بیگانه شده با فراورده های خود، منشأ برپائی

اعتراضات و خیزش‌هایی شده است برای عقب راندن سرمایه متعرض و تصاحب و کنترل دست آوردها و ثروت‌هایی که خود مولد واقعی آن‌هاست.

باین ترتیب تضاد فردیت و جامعه و لیبرالیسم و دمکراسی در دوره سلطه نئولیبرالیسم به اوج خود می‌رسد و بتواتر بنیادگرایی بازارآزاد به چالش‌طلبیده می‌شود. به بیان دیگر عقلانیت مرسوم سرمایه‌داری، با ترکیبی از منافع فردی و جمعی، با تکوین سرمایه‌داری و ورود آن به فاز جدیدی از رشد و گسترش خود و در پی افسون بازارآزاد و تأمین فرایند مطلوب انباشت، با خطر زوال عقلانیت مواجه شده است. در طنزی تاریخی، زوال عقل و بیماری آلزایمر که این دو تفنگدار سرمایه‌مهاجم و وفادار به مکتب شیکاگو در سال‌های پایانی عمر خود به آن دچار گشتند، گوئی نمادی است از روند زوال عقل از خود سرمایه‌داری!

۲۳-۰۲-۱۳۹۲ / ۲۰۱۳-۰۴-۱۲

[http://www.taghi-roozbeh.blogspot.de/  
taghi\\_roozbeh@yahoo.com](http://www.taghi-roozbeh.blogspot.de/taghi_roozbeh@yahoo.com)

-۱\*

[/http://persian.euronews.com/۲۰۱۳/۰۴/۰۸/thatcher-s-legacy-divides-in-life-and-death](http://persian.euronews.com/۲۰۱۳/۰۴/۰۸/thatcher-s-legacy-divides-in-life-and-death)

[http://www.bbc.co.uk/persian/arts/۲۰۱۳/۰۴/۱۳۰۴۱۰\\_۱۴۱\\_music\\_tatcher\\_era.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/arts/۲۰۱۳/۰۴/۱۳۰۴۱۰_۱۴۱_music_tatcher_era.shtml) -۲\*

و <http://fararu.com/fa/news/۱۴۶۰۶۴>

۳- طبیعی است که نئولیبرال‌های وطنی‌ماهم او را الگوی دلپذیر خود بدانند. چنان‌که موسی غنی‌نژاد به مناسب مرگ تاجرمی نویسد: خانم مارگارت تاجر شخصیتی کم‌نظیر در تاریخ سیاسی مدرن است. او از مردم انگلستان درباره

دستاوردهای دولت رفاه توهم‌زدایی کرد [/http://bamdadkhabar.com/۲۰۱۳/۰۴/۲۵۱۶۲](http://bamdadkhabar.com/۲۰۱۳/۰۴/۲۵۱۶۲)

حکومت اسلامی نیز از زاویه دیگری- مبارزه "ضدآمپریالیستی" از موضوع ارتجاعی و بویزه ماجرای گروگان‌گیری سفارت آمریکا- در فراهم ساختن بستر مناسب برای عروج نولیبرالیسم و ریگانیسم، به عنوان محرک خارجی نقش مؤثری داشت.

[http://www.bbc.co.uk/persian/world/۲۰۱۳/۰۴/۱۱۰۵۲۳\\_an\\_margaret\\_thatcher\\_obit.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/world/۲۰۱۳/۰۴/۱۱۰۵۲۳_an_margaret_thatcher_obit.shtml) -۳\*